



## بررسی تاثیر جایگاه سیف بن عمر تمیمی در روایات فتوح نگاری

نازنین فاطمه جلوخانی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی تهران

### چکیده :

سیف بن عمر، راوی اخباری قرن دوم هجری است که حجم زیادی از جعلیات فتوح از روایات او سرچشمه می گیرند. اطلاعات زیادی از زندگی وی در دسترس نیست، اما گفته شده که وی در سال ۱۷۰ هجری و در زمان هارون الرشید از دنیا رفته است. بسیاری از مورخان احادیث سیف را ضعیف دانسته اند اما تاثیری که روایات او بر جای گذاشته است این نیاز اساسی را به وجود می آورد که از دید دیگر به آثار وی بنگریم و تحقیقات بیشتری انجام دهیم. طبری نیز حجم قابل توجهی از این جعلیات را در اثر خود گنجانده به طوری که در دوره های بعد کتاب او به عنوان مرجع مورد استفاده دیگر مورخان اسلامی قرار گرفته است. این پژوهش ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. در این مقاله قصد داریم که به این سوال اساسی پاسخ بدهیم که: ۱- سیف بن عمر کیست و روایات وی چه جایگاهی دارد؟ و ۲- چرا روایات سیف مورد توجه جامعه و مورخان اهل سنت قرار گرفته است؟

واژگان کلیدی: سیف بن عمر تمیمی، روایات فتوح، تاریخ طبری، فتوح نگاری

## مقدمه:

سیف بن عمر، سیف بن عمر الضبی الأسیدی التمیمی می باشد. سیف یکی از راویان اخباری حدیث است که بخاطر گزارش های خاصی که دارد از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اطلاعات زیادی از زندگی وی در دسترس نیست، اما گفته شده که وی در سال ۱۷۰ هجری و در زمان هارون الرشید از دنیا رفته است. از آثار به جای مانده از او می توان کتب الرده والفتوح و کتاب الجمل و مسیر عایشه و علی را نام برد. این درست است که بسیاری از مورخان احادیث سیف را ضعیف دانسته اند اما تاثیری که روایات او بر جای گذاشته است این نیاز اساسی را به وجود می آورد که از دید دیگر به آثار وی بنگریم و تحقیقات بیشتری انجام دهیم، علامه عسکری در آثاری که در این رابطه از خود به جای گذاشته، به این میحث توجه کرده است. آنچه که از انتخاب موضوعات حوادث توسط سیف برای برجسته کردن و دست کاری و تغییر برمی آید، اهداف و مقاصد پنهان و آشکار بسیاری است. نامدارترین اسطوره های حماسی سیف، تمیمی و مضری هستند و در هر حال، همه جا قعقاع، قهرمان بی بدیل سیف است. بی گمان، سیف در روایات فتوح با نام جهاد اسلامی شمشیر را به دست عرب جاهلی سپرده و چنان وانمود کرده است که تاریخ اسلام، تاریخ شمشیر و خون و خونریزی است. سیف یا فتحی را از هیچ می آفریند و بر فهرست فتوح می افزاید و یا فتحی را چنان هولناک جلوه می دهد که فقط شایسته قهرمانان افسانه های قبیله ای او است و سوژه ای برای نویسندگانی چون ویل دورانت که عصر فتوح را شمشیر اسلام بنامد. همانطور که گفته شد، طبری نیز حجم قابل توجهی از این جعلیات را در اثر خود گنجانده به طوری که در دوره های بعد کتاب او به عنوان مرجع مورد استفاده دیگر مورخان اسلامی قرار گرفته است. این پژوهش ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. در این مقاله قصد داریم که به این سوال اساسی پاسخ بدهیم که: ۱- سیف بن عمر کیست و روایات وی چه جایگاهی دارد؟ و ۲- چرا روایات سیف مورد توجه جامعه و مورخان اهل سنت قرار گرفته است؟

## سیف بن عمر أسیدی تمیمی (بعد از ۱۰ق):

شاید بهترین توصیف در معرفی سیف استفاده از واژه «مجهول» باشد و معلوم نیست چرا از او با عدد بزرگی از راویان شناخته و ناشناخته اش جز نام، باقی نمانده است؟ آری او را همین اندازه می شناسیم که «سیف بن عمر» است. این نامی است که برای نخستین بار، در کتاب اخبار البصره، نوشته ابومخنف (مفید، بی تا: ۶۳) و سپس با کنیه ابوعبدالله در کتاب وقعه صفین از ابوالفضل نصر بن مزاحم منقری کوفی (۲۱۲ق) و سپس با پسوند «اسید تمیمی» در تاریخ طبری، بر جای مانده است (طبری، ۱۴۰۳: ۲۰۰/۲). او منسوب به اسید بن عمرو بن تمیم است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۵۶/۲۴)، همان شاخه ای که، حنظله بن ربیع اسیدی تمیمی، کاتب پیامبر (ص) نیز بدان منسوب است (ابن اثیر، بی تا: ۶۱/۱)، ابوحاتم ابن حبان بستی نیز می نویسد: «سیف بن عمر، کوفی است که در بصره ماندگار شده است» (ابن حبان، بی تا: ۳۴۵/۱). بنابراین، سیف نسب به تیره بزرگ مضری می برد. چنان که اگر او را مانند برخی از رجال شناسان، به ضبه منسوب بدانیم (رازی، ۱۳۷۳: ۲۷۸/۴) نیز مضری خواهد بود؛ زیرا ضبه با سه واسطه به مضری می رسد (سمعانی، ۱۹۷۷: ۱۰/۴). در هر صورت معلوم نیست که ابن ندیم چگونه وی را اسدی خوانده است (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۱۰۶). با این وصف اگر ذهبی و ابن حجر به تاریخ درگذشت سیف در عصر هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق) اشاره می کنند، تخمینی است که آنان با لحاظ مشایخ و راویان او حیاتش به دست آورده اند (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۵۹/۴). در منابع حدیثی و رجال شیعه، از سیف نام برده نشده است، تنها در کتاب وقعه صفین، نصر بن مزاحم پنج روایت از وی نقل کرده است. گذشته از اینها دو ویژگی را می توان برای سیف نام برد: نخست اینکه او شاعر



است و شعرهای حماسی زیادی در مناقب تمیمیان و قبیله تمیم سروده است. دیگر آنکه او ظاهراً اثری نیز در تفسیر دارد. این دو خصوصیت را به ویژه در نقل قول های ابن حجر در کتاب الاصابه (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۶۰/۵ و ۳۶۵. همان، ۱۴۱۵: ۵۱/۶) می توان دید.

### جایگاه روایی سیف:

به کار گرفتن روش اسنادی در کتاب های تاریخی، چون تاریخ خلیفه و کتاب های بلاذری و تاریخ طبری، کتاب های رجال مانند طبقات ابن سعد، الجرح والتعديل رازی، الکامل ابن عدی، تاریخ بغداد و حتی در کتاب های ادبی چون الاغانی، مفهومی جز در معرض جرح و تعديل قرار دادن اسناد ندارد. طبری نیز در مقدمه تاریخش (طبری، ۱۴۰۳: ۵/۱) به این معنا اشاره لطیفی دارد: «اگر در آنچه که من آورده ام چیزی است که خواننده آن را نادرست، ناپسند و بی معنی میدانند باید بدانند که من آن را از جانب خود نیاورده ام. بلکه فقط گزارشگر چیزی بوده ام که به آن دست یافته‌م». روشن است که طبری در این عبارت، خود را از صحت و سقم روایات تبرئه می کند. محدثان، زمانی به ضعف یا وثاقت شخصی گواهی میدهند که سلوک اخلاقی، روایات، را مورد ارزیابی دقیق قرار داده باشند. اگر منابع نقد رجال از قبیل الکامل ابن عدی، کتاب المجروحین ابن حبان و میزان الاعتدال ذهبی را مطالعه کنیم خواهیم دید که آنان بسیاری از روایانی را که در غیر از احادیث نبوی دروغ گفته بودند، ضعیف می دانستند. علی بن مدینی درباره واقدی می گوید: «وثاقت هیثم بن عدی در نزد من از واقدی بیشتر است. من او را نه در حدیث، نه در انساب و نه در هیچ چیز دیگر نمی پسندم (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۵۲/۵۴). پیش از آنکه تصنیف و تفکیک علوم از نیمه قرن دوم اتفاق افتاده باشد همه اخبار و احادیث یکجا و با یک روش به طالبان منتقل می شده و تفکیکی در میان نبوده است، یعنی در حالی که شیخی که حدیث میگفت و راوی ای که می شنید، هم سخنی از پیامبر (ص) به میان می آمد، هم نکته تاریخی از سیره و مغازی گفته می شد و هم مطلبی از صحابه و امثال آنان بازگو می گشت. روایات کتاب طبقات ابن سعد این گونه گردآوری شده اند. دلیل این ادعا آن است که بسیاری از روایان اخبار، محدث اند و بسیاری از محدثان، روایان اخبارند (ذهبی، ۱۹۹۳: ۴۸۳/۱۲). اگر کسی از روایان درباره پیامبر (ص) دروغ بگوید درباره دیگران به سهولت دروغ خواهد گفت. یاقوت حموی پس از اشاره به نقطه نظرهای متفاوت درباره واقدی می نویسد: «اما او در اخبار سیره فقه و دیگر فنون، به اتفاق آرا مورد وثوق است» (حموی، ۱۴۱۴: ۶/۲۵۹۶) یعقوب بن سفیان فسوی در کتاب المعرفة والتاریخ (فسوی، ۱۴۰۱: ۵۸/۳) می نویسد: «حدیثه و روایت لیس بشی». باری اگر قلمرو تاریخ را از قلمرو حدیث جدا کنیم، تاریخ نگاری نخست اسلام با تاریخ نگاری های انباشته از افسانه پیشینیان چه تمایزی خواهد داشت؟ ظاهره محمد بن عبدالله بن نمیر حافظ (د ۲۳۴ق) از معتبر ترین و نخستین کسانی است که به نقد سیف بن عمر پرداخته است. او می گوید: «سیف بن عمر دروغ زن بوده و به زنداقه متهم شده است. او همواره می گفته است مردی از تمیم مرا روایت کرده است» (ابن حبان، بی تا: ۳۲۵/۱). ابن حاتم رازی در یک گفتار نسبتاً طولانی از ابن نمیر به عنوان گوهر عراق یاد می کند و از یحیی بن معین (۲۳۳ق) و احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق) از محدثان و نقادان معروف عراقی نقل می کند که رأی ابن نمیر درباره روایان عراقی برای آنان قابل قبول و حجت است (رازی، ۱۳۷۳: ۳۲۰/۱). ابوداود سجستانی با عبارت: «الیس بشی» از شدت بی اعتباری او پرده برمی دارد (سجستانی، ۱۴۱۸: ۲۱۴/۱) محمد بن عیسی ترمذی (د ۲۷۹) در سنن خود تنها یک روایت از سیف آورده و در ذیل آن می نویسد که این روایت منکر و ناشناخته است (ترمذی، ۱۴۰۳: ۵/۳۵۹). با وجود اینها از ابن ندیم تعجب است که چگونه از این همه آرا درباره سیف غفلت نموده فقط به نام کتاب های سیف بسنده کرده است (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۱۰۶). به هر



حال، عباراتی که درباره سیف به کار رفت از پست ترین عبارت ها در نکوهش و جرح یک راوی است (ذهبی، بی تا: ۴/۱) که در ضمن از اتفاق آرا و اجماع اهل حدیث در نکوهش سیف نیز پرده برمی دارد و چنین اتفاقی در میان راویان نادر است. شگفت آورتر، سخن ابن خلدون است که سیف بن عمر را در کنار ابن اسحاق و واقدی و ابن الکلبی و مسعودی به فضل تقدم، شهرت و اعتبار در تاریخ نگاری، توصیف می کند، ولی بر مسعودی و واقدی به سبب برخی لغزشهایشان خرده می گیرد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴/۱). آنگاه در گزارش های تاریخی اش بر سیف اعتماد تام می کند و بر این اساس و در برابر مبانی و گزارش های دیگر، ابتدا قتل حسین بن علی به فرمان یزید بن معاویه را قتل اجتهادی و مأجور می داند! سپس گمان می کند، که صحابه پس از قتل عثمان در شهرها پراکنده شدند و کسی از آنان با علی بن ابی طالب (ع) بیعت نکرد و یا اندکی از آنان بیعت کردند (همان، ۱۴۰۸: ۲۱۴). اما چنین دیدگاهی از ابن خلدون دور نیست؛ زیرا وی مانند سیف در نزد برخی از صاحب نظران اهل سنت به جانبداری از بنی امیه، بلکه بیزاری از علی و فرزندان علی (ع) معروف است. تداوم همان رویه را ابن فرحان مالکی این گونه بازگو می کند: «در زمان ما، رویدادهای تاریخی وارد قلمرو باورها و عقاید شده است تا جایی که ایمان به وثاقت سیف از واجبات عقیدتی تلقی شده و تضعیف کنندگان سیف مورد اتهام قرار گرفته اند» (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۲۲۴ و عزیزی، ۱۳۹۱ و نصیری، ۱۳۹۹: ۶۰).

#### مشایخ و منابع سیف بن عمر:

ذهبی، عدد بزرگی از مشایخ سیف را ناشناخته ها تشکیل می دهند و خلق کثیر من المجهولین (ذهبی، بی تا: ۲۵۵/۲). نقش «ناشناخته ها» در روایات تاریخی سیف آنچنان پررنگ و چشمگیر است که می توان از آن به «لشکر گمنامان» تعبیر کرد، که فرد گمنام دیگری به نام سیف، آفریده و به تاریخ طبری راه یافته است. خوب است بدانیم که از میان اینان، تنها چهار نفر، یعنی محمد بن عبدالله بن سواد بن نویره، با ۲۱۶ روایت، مهلب بن عقبه، با ۶۷ روایت، زیاد بن سرجس، با ۵۳ روایت و سهل بن یوسف، با ۳۷ روایت و در مجموع ۳۷۳ روایت، از حدود هشتصد روایت سیف را به خود اختصاص داده اند (عسکری، ۱۴۱۳: ۲۱۷/۱ و ۲۴۱ و ۲۵۲. همان: ۶۱/۲) با وجود همه اینها، روایات او در تاریخ طبری در کنار حدود چهارصد روایت ابن اسحاق - بزرگترین حافظ و مورخ امین - به بیش از هشتصد روایت می رسد که فقط ۷۳۰ روایت آن از طریق شعیب بن ابراهیم کوفی، دیگر راوی ناشناخته و ضعیف سیف گزارش شده است (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۴۶ و ۶۱). با قرار گرفتن فهرست مشایخ گمنام سیف در کنار این اوصاف، تا حدی می توان ارزش روایات تاریخی وی واقف شد. واقعیت آن است که شمار بسیاری از راویان سیف نیز وضعیت مشابهی با وی و با مشایخ وی دارند. با وجود این، معضلی بر معضلات موجود در روایات سیف افزوده خواهد شد. از آنجا که کامل ترین گزارش از روایات سیف را طبری آورده است، بررسی منزلت راویان سیف را با استناد بر این گزارش ها دنبال می کنیم. بر این اساس می گوییم که روایات فتوح سیف با سه راوی و به چهار صورت در تاریخ طبری منعکس شده اند:

## راویان سیف بن عمر:

### شعیب بن ابراهیم کوفی از سیف بن عمر:

از بیماری پیامبر (ص) به سال ۱۱ ق (طبری، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۹۸) تا ماجرای نامه نگاری امام علی بن ابی طالب (ع) به معاویه (همان، ۳ / ۵۵۸) مجموعاً بالغ بر ۷۳۰ روایت از این طریق در تاریخ طبری ثبت شده است. او به مراتب بیشتر از سیف ناشناخته است. او هر چند تنها راوی سیف در تاریخ طبری نیست؛ اما نه در این کتاب و نه در دیگر کتاب‌های تاریخی هیچ روایتی به جز از سیف ندارد. به سخن دیگر، او جز در این روایات در هیچ جای دیگر شناخته شده نیست. افزون بر این، از نظر محدثان التزام یک راوی - هرچند توثیق هم شده باشد - به روایات منکر و مجعول، دلیل روشنی بر ضعف او است. حدیث شناسان، این اصل را بارها گوشزد کرده‌اند (ابن حبان، بی تا: ۱/ ۹۹-۲۴۲) و سری بن یحیی چنین است؛ زیرا بیشترین روایات او از فرد نامعلومی به نام شعیب بن ابراهیم است. شعیب بن ابراهیم نیز مانند خود سیف و بسیاری از راویان سیف، ناشناخته و مجهول است و تنها چیزی که درباره او گفته‌اند آن است که وی راوی کتاب‌های سیف است (ذهبی، بی تا: ۲/ ۲۷۵). ابن حجر گوشزد می‌کند که وی را نباید با شعیب بن ابراهیم کوفی (۱۹۹۵ق)، راوی محمد بن ابان بلخی که در کتاب الثقات ابن حبان (ابن حبان، بی تا: ۸ / ۳۰۹) آمده، یکی گرفت (ابن حجر، ۱۳۹۰: ۳/ ۱۴۵). بر این مبنا، می‌توان گفت که اگر کتاب‌های سیف از محدث بزرگی چون اسماعیل بن بخاری بود به سبب ضعف شاگرد که شعیب باشد از دایره اعتماد خارج می‌شد و صداقت استاد، مشکلی را برطرف نمی‌کرد، چنان که اگر به جای شعیب بخاری بود باز مشکل بی‌اعتمادی از کتاب‌های سیف را نمی‌زدود زیرا صداقت شاگرد اثری در جبران ضعف استاد نمی‌گذاشت؛ بنابراین، ما هستیم و عدد بزرگی از مهملات حدود ۹۰ درصد از روایات سیف که باید آنها را به تاریخ سپرد و بدرد گفت (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۶۱). افزون بر اینها در روایات سه نکته دیگر قابل توجه است: نکته اول، نحوه اسناد طبری به کتاب‌های سیف است و آن، روش اجازه از نوع (مکاتبه) است. در این روش، استاد در یادداشتی به دانشجو اجازه می‌دهد تا احادیث نوشته شده به دست خود یا کاتبش و یا کتاب‌های نوشته شده به دست مشایخش را روایت کند. این روش که سابقه در قرن اول و دوم دارد، دارای اعتبار روایت و اجازه از نوع شفاهی است و طالب در بهترین حالت با عبارت «کتب إلی فلان» شیوه اسناد خود را نشان می‌دهد چنان که مجاز است با تعبیرهایی چون «حدثنی» یا «حدثنا» به روایت مطالب آن کتاب بپردازد (خطیب، ۱۴۰۵: ۳۷۳-۳۷۹). بر این اساس، طبری غالباً از عبارت «کتب إلی السری» استفاده می‌کند و گاهی نیز از عبارت «حدثنا» و «قال» بهره می‌گیرد (طبری، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۶۶-۵۵۸). نکته دوم، آن است که پس از روایات و سیره نگاری ابن اسحاق، در این روایات نیز نمونه دیگری از سیره نگاری منسجم دیده می‌شود؛ با این تفاوت که قلمرو روایات سیف، گزارش تاریخ سیاسی خلفای نخستین در فاصله حدود سه دهه پس از پیامبر (ص) است، اما ابن اسحاق پیش از گزارش سیره سیاسی خلفا به سیره و مغازی پیامبر (ص) نیز پرداخته است. در میان آثار موجود، روش ابن اعثم در کتاب الفتوح به روش سیف، بسیار نزدیک است به گونه‌ای که می‌توان گفت شاید ابن اعثم در روش تألیف و نامگذاری کتابش از سیف متأثر بوده و خواسته است نمونه دیگری از تاریخ نگاری سیاسی خلفا با عنوان الفتوح را با رنگ و لعابی شیعی و با استفاده از منابعی غیر از سیف تدوین کند؛ با این تفاوت کمی که ابن اعثم، حوادث مربوط به خلافت ابوبکر و وقایع رده و فتوح خلفا تا جریان قتل بابک به سال ۲۲۲ را در زمان خلافت معتمد (حک: ۲۱۸-۲۲۸ق) گزارش کرده است و سیف از دوران خلفای نخست فراتر نرفته است که در بغداد، ساکن شد و در همان جا یا در کنار رودخانه فم الصلح در بالای واسط در منزل حسن بن سهل وزیر مأمون به سال ۲۰۸ ق درگذشت. بسیاری از محدثان او را ستوده و توثیق کرده‌اند.

پیش از این گذشت که پدرش ابراهیم بن سعد از راویان مغازی ابن اسحاق بوده است چنان که معلوم است یعقوب در گردآوری آثار محدثان و مورخان مانند شاگرد با واسطه اش، طبری بوده است، لذا نقل روایات سیف، از سوی یعقوب بن ابراهیم و طبری از نظر حدیث شناسان هیچ دلالت التزامی بر تأیید منبع روایات ندارد (طبری، ۱۴۰۳: ۵/۱). بنابراین، ضعف سیف بن عمر در این روایات نیز همچنان باقی است. ابن فرحان مالکی می نویسد: من سند روایات یعقوب از سیف را بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که به استثناء دو روایت، همه این روایات یا از کسانی است که سیف آنها را ندیده است و یا از مجهولان هستند و یا از بی اعتباران و دروغ زنان (ابن فرحان، ۱۴۱۸، ص ۶۲) سومین و آخرین طریق طبری به روایات سیف، ابوالفضل نصر بن مزاحم منقروی کوفی شیعی است که تک نگاری های بسیاری تألیف کرد و به سال ۲۱۲ق در بغداد درگذشت (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۵۴). طبری از این طریق دو روایت از سیف نقل کرده است: یکی مربوط به رفتن عایشه به بصره است و دیگری مربوط به بازگشت وی از جنگ جمل (طبری، ۱۴۰۳: ۴۷۶/۳ و ۴۸۲). در این دو روایت نیز اگر از سیف و مشایخ مجهولش چشم‌پوشیم، نصربن مزاحم، دست کم به سبب کثرت روایاتش از مشایخ ضعیف قابل اعتماد نیست. هرچند او را با صرف نظر از روایات ضعیفش، رجالیان شیعی و اهل سنت موثق دانسته اند (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲۱۵/۹) در تاریخ طبری به شمار اندکی از نقل قول های وی برمی خوریم (۱۵ مورد) که او با عبارت هایی چون «قال» و «ذكر سیف» از کتاب سیف نقل می کند. عموم این گزارش ها مربوط به حوادث فتوح شام و عراق در سال های ۱۵ و ۱۶ق است (طبری، ۱۴۰۳: ۹۵-۱۱۹).

#### ارزیابی روایات فتوح سیف :

از آنچه گذشت معلوم شد که سیف، به اتفاق صاحب نظران، ضعیف و مردود است. و روشن شد که وی نه تنها در جعل محتوا، بلکه در سندسازی نیز به کار خلاقانه ای دست زده و از خود تاریخ مستند ساخته است. بر این اساس بسیار دور به نظر می رسد که سیف شامل اقوال مشهوری باشد که با عناوینی چون «قالوا» یا «ذكروا» گزارش شده اند. اینک پرسش آن است که، چرا روایات و کتاب های او از روزگار طبری تا به امروز مورد توجه جامعه، مورخان و نویسندگان اهل سنت قرار گرفته است؟ و چرا سیف به چنین کاری دست زده است؟ براساس یک تحلیل، علت توجه عوام اهل سنت آن است که سیف بر پایه تعصبات قبیله ای و به کمک توانمندی ادبی و شاعرانه اش قصه های زیبایی از اسطوره های عربی ارائه داده است. آفرینش این اسطوره ها به همان اندازه که برای سازنده اش جذابیت دارد، برای عموم نیز دلنشین و سحرآمیز است. پیامبر (ص) فرمود: «ان من البیان لسحرا» (خطیب، ۱۹۹۷: ۱۰/۳۴۸). روایات سیف تا تألیف تاریخ طبری بیش از یک قرن ناشناخته و گمنام بود. اما پس از درج این روایات در تاریخ طبری، اهل سنت نیاز دیدند تا برای پاسخگویی به زیاده روی شیعه در نکوهش عثمان و یالانش، به روایات سیف توجه کنند؛ زیرا ساختار عمومی این روایات، در جهت حمایت از امویان و تمجید آنان پدید آمده است. مدافعان خلیفه در روایات سیف گنجینه هایی سودمند در دفاع از امویان پیدا کردند. از آن پس، روایات سیف به ابزار دفاعی همیشگی اهل سنت بر علیه شیعه تبدیل شد و بسیاری از معاصران تا حدودی به همین دلیل بر روایات او تکیه می کنند و گمان می کنند که سیف راوی اهل سنت است و سوگمندانه در بسیاری از رساله های دانشگاهی می بینیم که آثار سیف را بر صحیح بخاری و مسلم به انگیزه های عاطفی پیش می اندازند (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۱۰۰/۷۷). سیف در روایاتش، تفاخرات قومی و شعارهای مرامی خود را پوششی برای تخریب و تحریف اسلام ساخته و در این کار به «تحریف تاریخ اسلام» روی آورده است. مهم آن است که ببینیم او از این کار چه اهدافی را دنبال کرده و به چه ابزارهایی توسل جسته است؟ بررسی همه جانبه روایات سیف نشان می دهد که وی با کمک ابزارهایی مانند اسناد ساختگی، اعلام و مکان ها و رویدادهای ساختگی، عناصر





قصصی و اسطوره ای، اهدافی چون: تخریب شخصیت های بزرگ صدر اسلام و تطهیر چهره های نامطلوب، تفاخرات قومی و مخدوش کردن اصل حیاتی جهاد مقدس و آزادی بخش را دنبال کرده است. بنابراین، در طرح تاریخ سازی، سیف، سه ابزار مهم و سه هدف بزرگ به ترتیب قابل ملاحظه است:

### اسناد ساختگی سیف:

در اسناد تاریخ نگاری سیف شمار بسیاری از مشایخ روایی به چشم می خورند. یعنی ۶۹ نفر، مجهول و به عبارت دقیق تر «ساختگی» هستند که محققان با مراجعه به منابع رجالی اهل سنت، مجهول بودن همه آنها را مشخص کرده اند. این کسان را می توان در فهرست ذیل ملاحظه کردن: ابوزهره قشیری، عروۀ بن غزیۀ دثینی، عبدالله بن سعید بن ثابت ابن جزع، ابن الشهید، ابن الفیل، عمیر صائدی، کرب بن ابی کرب، ابن مخراق، عمرو بن تمام، عثمان بن سوید، بحر بن فرات العجلی، خلید بن زفر النمري، زیاد بن سرجس احمری، سعید بن عبید، سهل بن یوسف بن سهل بن مالک الانصاری، صعب بن عطیۀ بن بلال، غصن بن القاسم، مخلد بن قیس العجلی، مستنیر بن یزید موسی بن غصن، ابوزرعہ شیبانی، ابوالسائب عطاء بن فلان، مهلب بن عقبه، عبدالرحمان بن سیاه احمری، سفیان احمری، عمرو بن محمد، محمد بن عبدالله بن سواد بن نویره، ابوعثمان یزید بن أسید غسانی، ابوسفیان طلحة بن عبدالرحمان، مبشر بن فضیل، عمرو بن میمون، مطرح، عبدالله بن سعد، ابوحارثه عتبی، نضر بن سری ضبی، قعقاع، حمزۀ بن علی بن محفز، طلحة بن عتیبۀ بن نهاس، زیاد بن سیرجس احمری، عبدالله بن مسلم، عمرو بن محمد، عبیدۀ بن ابراهیم، عمرو بن الریان، زکریا بن سیاه، قاسم بن سلیم، علاء بن زیاد، عمر بن محمد بن قیس، ولید بن عبدالله بن ابی طیبه، محمد بن جریر العبدی، ابن مخراق، عبیده عن ابراهیم، برمکان، سلیمان بن بشیر (بسیر)، ثابت بن هریم، سماک بن فلان، ابوعمر دثار، هبیره بن الأشعث، عبیدۀ بن معتب، عمر بن عیاش، ابوحارثه محرز عبشمی، ابوالمجالد جراد بن عمرو، عبدالله بن المستورد، ابومعبد العبسی، ابوعبدالرحمان الفزاری، عیسی بن المغیره، الوازع بن زید بن خلیده، محمد بن سعید، داود بن یزید. بخشی از اینها را علامه سید مرتضی عسکری در نقد و بررسی اخبار مربوط به قعقاع بن عمرو و ... مورد بررسی و شناسایی قرار داده است (عسکری، ۱۳۵۵: ۲۶۴/۱-۳۲۶). همان، ۱۳۵۵: ۲/ ۶۴، ۶۷، ۹۲، ۱۱۳ و ۱۳۳). این در صورتی است که برخی از آنان، وقایعی را بدون واسطه برای سیف نقل کرده اند که دهها سال با زمان حادثه فاصله داشته اند و در آن زمان نبوده اند. برای مثال، او روایات زیادی به ویژه در اخبار مربوط به شورش های ضد عثمانی و جنگ جمل از دو راوی مجهول ابوحارثه و ابوعثمان نقل می کند که بر فرض وجودشان میان آنان و میان حوادث، بیش از یک قرن فاصله بوده است (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۶۶). بر این موارد باید افزود کسانی را که سیف در قالب عبارت های مبهم از آنها نقل می کند، مانند: اشیاخ بنی غسان، عماره بن فلان، حماد بن فلان برجمی، رجل من بنی کنانه، رجل من قومه.

### مکان ها و اعلام ساختگی سیف:

افزون بر شخصیت های ساختگی سیف در اسناد، در متن روایات سیف عدد بزرگی از اعلام، حوادث، اماکن و تاریخ های ناشناخته را ملاحظه می کنیم. اینها عناصری هستند که به دلیل ماهیت اسطوره ای و ادبی و هنری شان، هر گزارشی را برای نویسنده و خواننده ناگاه، لذیذ و دلپذیر می سازند. در این میان می توان به حوادثی چند اشاره کرد: یوم الیاقبر، یوم الأرمات، یوم الأغواث، یوم العماس، یوم الجراثیم و یوم النحیب، پس از نبرد جمل به سال ۳۶ق (عسکری، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۶۵ - ۲۴۳) و اماکنی چون: دلوث [دلث]، طاووس، الجعرانه و نعمان در عراق، الفردوده، الثنی، عقبه الרכاب، القدیس، المقر، الولجه،



الهوفی، وادی خرد و رودخانه اط (همان، ۱۴۱۳: ۲۸۹-۲۹۸)، فتوح ساختگی یا حوادث ساختگی مربوط به فتوح خالد بن ولید، مانند وقعه ذات السلاسل، وقعه الثنی والمذار، يوم الولجه، وقعه أمغیشا، و يوم ما بعد الحیره و... نقد و بررسی اجزای این اسطوره ها را محققانی چون علامه سید مرتضی عسکری بر عهده گرفته و جهدی قابل ستایش کرده اند، اما آنچه در این مجال مهم تر و شایسته یادآوری است، اعلام و شخصیت های ساختگی سیف است. براساس این تحقیقات، در روایات سیف، بالغ بر ۱۵۰ نفر به عنوان صحابی پیامبر (ص) ساخته و پرداخته شده اند که به جز در روایات سیف در هیچ روایت قابل قبولی به چشم نمی خورند (عسکری، ۱۳۵۵: ۱/ ۲۶۴). چنان که همه مشایخ سیف در اسناد این روایات نیز مجهول و ساخته شده اند. در میان اصحاب یادشده، یک نفر برجسته و ممتاز است و او قعقاع بن عمرو از قبیله تمیم است که در تصویر سیف، به سان سرداران کهن ایام العرب، چالاک و دلیر و شاعری توانا و چیره دست است! نام و یاد این صحابی فاتح و شاعر، تنها از طریق روایات سیف به منابع تاریخ رجال از قبیل تاریخ طبری (طبری، ۱۴۰۳: ۳/ ۴۹-۷۰ و ۱۲۱-۱۵۴)، الاستیعاب (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۲۸۳) و الاصابه (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵/ ۳۴۲) راه یافته است. علامه عسکری به دلیل نقش گسترده قعقاع در روایات مربوط به حوادث دوران خلفای نخستین، تقریباً تمامی مباحث جلد اول کتاب یکصد و پنجاه صحابی ساختگی را به بررسی روایات سیف درباره او اختصاص داده است. قعقاع براساس این روایات و گاهی نیز به همراه برادرش عاصم - در نبردها، فتوح و حوادث ذیل به طور فعال و حماسی حضور دارد: فتح اَلیس، فتح اَبله در زمان ابوبکر (عسکری، ۱۳۵۵: ۱/ ۱۳۶-۱۴۰). کشته شدن یکصد هزار غیر مسلمان رومی و ایرانی و تغلبی به فرماندهی خالد (همان، ۱۳۵۵: ۱۵۸)، حرکت حماسی خالد به سوی شام و فتح بصری و نبرد یرموک با کشته شدن ۱۲۰ هزار تن از رومیان و نیز فتح دمشق و کشته شدن ۸۰ هزار رومی و اشعار حماسی قعقاع در این حوادث (همان، ۱۳۵۵: ۱۶۶-۷۶)، بازگشت پیروزمندانه عراقیان فاتح شام به سرکردگی قعقاع برای یاری دادن به سعد بن ابی وقاص در جنگ قادسیه و نیز نقش حماسی وی و برادرش عاصم در فتح بهر سیر و مدائن و اشعار حماسی قعقاع در این وقایع (همان، ۱۳۵۵: ۱۸۲-۱۹۸). نبرد جلواء و کشته شدن یکصد هزار تن از ایرانیان مشرک و نقش و اشعار حماسی وی در این واقعه (همان، ۱۳۵۵: ۲۰۳)، فتح حمص در شام و حضور فاتحانه قعقاع به همراه ۴ هزار نفر و بازگشت نامعلوم وی از شام و حماسه او در فتح نهاوند به سال ۱۸ق و اشعار حماسی وی در این فتوحات (همان، ۱۳۵۵: ۲۰۹-۲۱۷)، نقش خیرخواهانه وی در کوفه برای خواباندن شورش های ضد عثمانی و حرکت نافرجام او برای یاری رساندن به عثمان در پاسخ به استمداد وی (همان، ۱۳۵۵: ۲۲۱) نقش صلح آمیز وی در جریان جنگ جمل (همان، ۱۳۵۵: ۲۴۵) و حوادث و فتوح پرشمار دیگر که محقق یادشده به تفصیل در مقایسه محتوایی آنها با گزارش های دیگر مورخان و نیز در ارزیابی سندی روایات مربوط به این حوادث بسیار کوشیده است (همان، ۱۳۵۵: ۲۷۳-۳۲۶).

### عناصر قصه پردازی:

شواهد، از آغاز قصه پردازی در خلافت عمر بن خطاب و گسترش آن در روزگار معاویه خبر می دهند. ابن حنبل روایتی در باب قصه خوانی تمیم داری در زمان عمر بن خطاب و با اجازه او نقل کرده است (ابن حنبل، بی تا: ۳/ ۴۴۹). در روایت دیگر آمده است، در حالی که کعب در مسجد قصه میگفت اصحاب وارد شدند و با نقل روایتی از پیامبر (ص) او را به ناپسندی کارش واقف کردند (همان، بی تا، ۴/ ۲۳۳). بنا به روایت خطیب، قصه خوانی پس از قتل عثمان پدید آمد (خطیب، ۱/ ۱۹۹۷: ۲۲۳) و معاویه کسی بود که پس از قتل علی (ع) با ۶۰ هزار سپاه به همراه ده قصه خوان به عراق آمد و این قصه خوانان در هر روز برای سپاه وی قصه می گفتند (همان، ۱۹۹۷: ۱۰۰/۲) و شاید کعب یکی از آنان بود که به قول بخاری در





زمان معاویه قصه میگفت (بخاری، بی تا: ۲۶۶/۳)، بنابراین، قصه خوانی، رونق خود را مدیون سیاست های معاویه است. پس از او نیز طبیعی می نمود که قصه خوانان جایگاهی در میان مردم پیدا کنند و حتی از این طریق امرار معاش کنند. ابن حبان داستان یک قصه خوان را آورده است که در مسجد الرصافه بغداد در حضور احمد بن حنبل و یحیی بن معین و به سند متصل از آنان حکایتی دراز ساخت و پس از آنکه پاداش خود را از مردم گرفت، در برابر انکار احمد و یحیی که ما چنین روایتی را نگفته ایم، جسورانه یحیی را احمق خواند و به احمد بن حنبل گفت: من به جز تو، از هفده احمد بن حنبل دیگر حدیث شنیده و نوشته ام! و احمد با شگفتی مسجد را ترک کرد (ابن حبان، بی تا: ج ۱ / ۸۵). با چنین اوضاعی معلوم است که چه بلایی بر سر حدیث و اسناد می آید، تا جایی که ابن جوزی دردمندانه می گوید: «اینان با روایات ساختگی شان، مردم را به تباهی کشانده و سرمنشأ بسیاری از گرفتاری ها شده اند» (ابن جوزی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۲ و ۴۴). نکته قابل توجه در این میان، حیطه خاص این تاثیرگذاری است. داستان های بلند تاریخی در زمینه فتوح و اخبار قهرمانی که با شگردهای شاعرانه و با به کارگیری عناصر شگرف داستانی، با توسل به روایات و اسناد به ظاهر معتبر ساخته می شود، زمام اختیار شنونده را در دست می گیرد و شیفته شنیدن و خواندن کلام خود می سازد (ابن حبان، بی تا: ج ۱ / ۸۵). اشاره کردیم که از نظر ابن فرحان مالکی، وجود عناصر داستانی در روایات سیف عامل مهم اقبال توده مردم به آن روایات بوده است، اما روزنتال، این پدیده را در اخبار امثال سیف به طرز شایسته ای شرح داده است. او با اشاره به علاقه انفعالی و دائمی انسان ها به داستان های بلند تاریخی و اینکه مضمون اغلب داستان های بلند، نظیر همه داستانهای مردم پسند، درباره فتوح بوده است، می نویسد: طرح داستان های بلند فتوح توسط سیف بن عمر و ابوحنیفه اسحاق بن بشر و عرضه رویدادها به شکل داستان های رنگارنگ، سبب شدند تا تاریخ نگارانی نظیر طبری بیش از استحقاق بر آثارشان ارج نهند. این داستان ها جاذبه و لذت بخش بودن خود را مدیون چند ویژگی هستند: طولانی بودن بیش از حد بسیاری از این داستانها، وقفه ای در آنها روی نمی دهد و پایان داستان هرگز به چشم نمی آید، جنگها دل چسب تر از جنگهای واقعی است، بنای افسانه ای آن مملو از انواع قالبها و جامه های رنگارنگ و درختان و اقسام میوه هاست، سلسله جعلی راویان که مصدر خبر خاصی را می نمایند تا حدی حفظ می شود، شعر، جزء لاینفک و مهم داستان بلند تاریخی است، استفاده از سجع در آن بسیار مطلوب شمرده می شود، معمولاً اشعار فراوانی به آن پیوست می گردد و سرانجام شر و بدی به کلی مغلوب وخیر و خوبی قهرمان درخشان می شود (روزنتال، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۱۳-۲۱۶).

هرچند ابوحنیفه اسحاق بن بشر را قصاص ضعیف دانسته اند (ذهبی، ۱۹۹۳: ۴۷۷/۹)، اما واقعیت آن است که روایات قصصی ابوحنیفه را نمی توان با قصه های پرشمار سیف بن عمر قیاس گرفت. وجود فراگیر ویژگی های قصصی در روایات وی سبب شده است تا ابن فرحان مالکی، با قاطعیت اعلام کند: در قیاس روایات سیف با روایات تاریخی، دیگر مورخان در قلمرو کاملاً جداگانه دیده میشوند. من از نقادان نمی خواهم که برای مخالفت روایات سیف با روایات صحیح مثال بیاورند؛ از آنان می خواهم که تنها پنج روایت از او بیاورند که مخالف روایات صحیح نباشد. من حتی یک روایت از سیف نیافته ام مگر آنکه با دیگر روایات صحیح و نیرومند در تعارض است (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۶۹).

### تخریب شخصیت ها:

سیف بر همین اساس افزون بر دروغ زنی و افترا به دیگران، به سرزنش و توهین آن دسته از صحابه و تابعین بزرگ پرداخته است که در برابر سیاست های امویان بودند. او کسانی چون عمار یاسر، ابوذر، زید بن صوحان، مالک اشتر، اسود بن



یزید و مانند اینان را از شاگردان عبدالله بن سبأ یهودی می‌داند در صورتی که از معاویه، زیاد بن ابیه، سعید بن عاص، ولید بن عقبه، ابوالاعور سلمی، بسر بن ارطاء سفاک، مروان و امثال آنان دفاع می‌کند که هیچ کدام هم سنگ عمار و ابوذر نیستند و نمی‌توانند باشند. مطالعه روایت سیف نشان می‌دهد که سخت اموی است؛ به همین دلیل امویان معاصر، مانند محب الدین خطیب از او زیاد بهره می‌برند. در مقایسه روایات طبری از سیف درباره امویان با روایات مشابهی که در منابع دیگر آمده است، به شگفتی‌هایی دست خواهیم یافت. همین نکته را در مقایسه روایات طبری از سیف با روایات دیگر منابع درباره دشمنان امویان می‌توان ملاحظه کرد (همان، ۱۴۱۸: ۷۰-۷۲).

### مفاخرات قومی :

ابن حبان به نقل از ابن نمیر، از معاصران سیف، سخنی دارد که میزان دل‌بستگی قبیله ای سیف، تعصبات و انگیزه های مذهبی او را نشان می‌دهد: «قال جميع حدثني رجل من بني تميم. كان يضع الحديث و كان قداثهم بالزندقة؛ او همیشه می‌گفت مردی از بنی تمیم مرا حدیث کرده است و از پیش خود حدیث می‌ساخت و به زندقه متهم بود» (ابن حبان، بی‌تا: ۳۴۶/۱). عناصر سه گانه این سخن که از سوی دیگر صاحب نظران نیز تأیید شده است، از پیوند معنادار قبیله گرایی با لامذهبی و دروغزنی پرده برمی‌دارد و درک این نکته دشوار نیست که در حقیقت، سیف با تاریخ سازی هنرمندانه خود، رویدادهای شگفت و جعلی فتوح را، که هم جاذبه های حماسی ایام العرب را دارند و هم به لحاظ انگیزه های دینی، شورآفرینند، عرصه مفاخرات قبیله ای ساخته و قبایل جنوب را به کج مرامی و بی‌هنری متهم کرده است، چنان که با استفاده از گرایش های سیاسی - کلامی موجود در میان مردم و خلفای وقت، مانند منصور و هارون و با خلق حوادث و قهرمانان افسانه ای، مانند قعقاع بن عمرو تمیمی مضر و عبدالله بن سبأ قحطانی یمنی، به منظور تحریف و تخریب سیمای بزرگان صحابه و تابعین، قبایل جنوب، شیعیان علی (ع) و به بیان جامع تر، در تخریب اسلام کوشیده است (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۷۰). چنین ساختاری از روایات سیف به آسانی قابل درک است. بر همین اساس، سیف در جریان جنگ جمل، عثمان، طلحه و زبیر عدنانی را تبریئه می‌کند و همه گناهان را بر دوش عبدالله بن سبأ یهودی الاصل قحطانی یمانی می‌اندازد (عسکری، ۱۴۱۰: ۱۱۸).

### تحریف سیمای فتوح:

ارزیابی مبانی حقوقی و کلامی فتوح خلفای نخستین و نیز مطالعه انتقادی سیره فاتحان در فتوح مجال دیگری می‌طلبد. چنان که بررسی های سندی این روایات در ذیل سرخطهای پیشین، بارها مورد اشاره قرار گرفت و گفته شد که روایات سیف در نازل ترین مرتبه روایات ضعیف قرار دارد. بنابراین، آنچه مورد نظر ما است ارزیابی محتوایی بخشی از روایات فتوح سیف در قیاس با روایات دیگر است. باید گفت، نامدارترین اسطوره های حماسی سیف، تمیمی و مضر هستند و در هر حال، همه جا قعقاع، قهرمان بی‌بدیل سیف است. بی‌گمان، سیف در روایات فتوح با نام جهاد اسلامی شمشیر را به دست عرب جاهلی سپرده و چنان وانمود کرده است که تاریخ اسلام، تاریخ شمشیر و خون و خونریزی است. سیف یا فتحی را از هیچ می‌آفریند و بر فهرست فتوح می‌افزاید و یا فتحی را چنان هولناک جلوه می‌دهد که فقط شایسته قهرمانان افسانه های قبیله ای او است و سوژه ای برای نویسندگانی چون ویل دورانت که عصر فتوح را شمشیر اسلام بنامد. بر همین اساس، سیف کشته های



رده عمان و مهره بیش از ۱۰ هزار نفر می‌رسند در حالی که در روایات ابن اعثم و بلاذری، در مسیر حرکت عکرمه به دبا حدود یکصد تن از اهل رده کشته می‌شوند سپس قلاع (دژهای کوهستانی) آنان محاصره و سرانشان به قتل می‌رسند و حدود سیصد جنگجو و چهارصد زن و بچه اسیر می‌شوند و قوم مهره بن حیدان، بدون جنگ صدقه حکومت را پرداخت می‌کنند (عسکری، ۱۴۱۳: ۶۰/۲-۶۳). سیف در یک سناریوی دیگر، واقعه ذات السلاسل در زمان ابوبکر را می‌سازد و در آن، خالد و قعقاع با شکست مرزبان ابله و کشتن مرزنشینان سند و هند، ابله را فتح می‌کنند. در حالی که طبق روایات دیگر خود طبری، فتح ابله به سال ۱۴ق در زمان عمر بن خطاب و با فرماندهی عتبۀ بن غزوین رخ داده است (همان، ۱۴۱۳: ۷۵-۸۰). روایات سیف شمار کشته شدگان ایران در نبرد آلیس را به ۷۰ هزار نفر رسانده است؛ در حالی که طبق گزارش بلاذری، خالد با اهالی آنجا پیمان صلح بست (بلاذری، ۱۹۵۶: ۲۹۷/۱ و عسکری، ۱۳۵۵: ۱/۱۴۳). در منطقه فراض از بنی تغلب و رومیان و ایرانیان به دستور خالد و با مشارکت قعقاع و برادرش عمرو، ۱۰۰ هزار نفر کشته میشوند (همان، ۱۳۵۵: ۱۵۸)، در حالی که در روایات بلاذری و روایات غیر سیف از کتاب طبری و نیز در کتاب الاخبار الطوال، نه خبری از حضور افسانه ای قعقاع و برادرش عمرو در فتوح عراق است و نه خبری از حرکت حماسی خالد به همراه قعقاع به سوی شام یا کشتارهای مبالغه آمیز خالد در سرزمین های اسطوره ی ثنی، فارض و حصید (همان، ۱۳۵۵: ۱۶۵ و ۱۶۶؛ عسکری، ۱۴۱۳: ۲/۸۱-۸۶). در روایت سیف، قعقاع به سال ۱۳ق در نبرد یرموک که ۱۲۰ هزار نفر از رومیان به هلاکت رسیدند شرکت دارد و شعر حماسی می‌سراید؛ چنان که همو در جریان فتح دمشق در قتل ۸۰ هزار نفر از رومیان شرکت می‌کند و اشعار حماسی می‌سراید. در حالی که در روایات بلاذری گزارش کوتاه و قابل قبولی از فتوح دمشق ارائه شده است (بلاذری، ۱۹۵۶: ۱/۱۴۵ و ۱۴۶ و عسکری، ۱۳۵۵: ۱/۱۶۶-۱۷۶). سیف به دلاوری ها و نقش و اشعار حماسی قعقاع در نبرد هشتاد روزه جلواء و کشته شدن ۱۰۰ هزار تن از ایرانیان مشرک در این نبرد اشاره می‌کند در حالی که در فتوح البلدان بلاذری (بلاذری، ۱۳۳۷: ۲/۳۲۴) و تاریخ الاخبار الطوال دینوری (دینوری، ۱۳۷۱: ۱۱۹) هیچ سخنی از قعقاع در میان نیست و جریر بن عبدالله بجلی قحطانی از مهم ترین سرداران فتح یکروزه جلواء است. در روایت سیف به طرز معجزه آسایی، قعقاع با ۴ هزار سپاهی از قبیله خود در فتح حمص به سال ۱۷ق شرکت می‌کند؛ سپس در سال ۱۸ق به طرز نامعلومی، سر از فتح نهاوند بر می‌آورد، سپس در فتح همدان نیز با تحمیل حدود ۲۰۰ هزار کشته و سوخته از ایرانیان، فاتح نبرد می‌گردد در حالی که در غیر روایات سیف، نهاوند به سال ۲۱ق با فرماندهی نعمان بن مقرن و حذیفه بن یمان پس از سه روز درگیری (از چهارشنبه تا جمعه) با تسلیم شدن مردم شهر فتح گردید (بلاذری، ۱۹۵۶: ۲/۳۷۵). فتح همدان نیز به دست جریر بن عبدالله بجلی قحطانی اما به سال ۲۳ق و بدون آن رقم نجومی از کشته ها اتفاق افتاد (همان، ۱۹۵۶: ۳۸۳-۳۸۰)

### شخصیت های خیالی داستان های سیف:

#### قعقاع بن عمرو:

قعقاع بن عمرو در داستان های قبل از فتوح وجود دارد اما به دلیل اینکه در محدوده و قلمرو موضوع ما قرار نمی‌گرفت، به آن پرداخته نشده است. از آن زمانی که ابوبکر دستور لشکرکشی به عراق را می‌دهد، هنگامی که خالد بن ولید از نبرد یمامه بازگشته است با جزئیات و آوردن عین روایت از کتب به معرفی شخصیت قعقاع بن عمرو می‌پردازیم اما قبل از آن برای معرفی این شخصیت خیالی لازم است کمی عقب تر برویم و نسب و جایگاه، حضور او را در تاریخ بررسی می‌کنیم. قعقاع



بن عمرو یکی از صحابی می باشد که به دست سیف ساخته شده است و بر اساس امیال شخصی و اهداف خاص سیف وارد روایت های مهم می شود و بازیگران برجسته ای خلق می کند، که بیشتر شبیه افسانه های خدایان حماسی یونان و روم می باشد و از حد و حدود یک انسان پا فراتر می گذارد. علامه عسکری به طور مشخص به شخصیت قعقاع پرداخته است، وی در کتاب خود می آورد که: قعقاع بن عمرو در داستان های قبل از فتوح وجود دارد اما به دلیل اینکه در محدوده و قلمرو موضوع ما قرار نمی گرفت، به آن پرداخته نشده است. از آن زمانی که ابوبکر دستور لشکرکشی به عراق را می دهد، هنگامی که خالد بن ولید از نبرد یمامه بازگشته است با جزئیات و آوردن عین روایت از کتب به معرفی شخصیت قعقاع بن عمرو می پردازیم اما قبل از آن برای معرفی این شخصیت خیالی لازم است کمی عقب تر برویم و نسب و جایگاه، حضور او را در تاریخ بررسی می کنیم. قعقاع بن عمرو یکی از صحابی می باشد که به دست سیف ساخته شده است و بر اساس امیال شخصی و اهداف خاص سیف وارد روایت های مهم می شود و بازیگران برجسته ای خلق می کند، که بیشتر شبیه افسانه های خدایان حماسی یونان و روم می باشد و از حد و حدود یک انسان پا فراتر می گذارد. علامه عسکری به طور مشخص به شخصیت قعقاع پرداخته است، وی در کتاب خود می آورد که: ((... سیف نسب قعقاع را چنین خیال کرده است، کنیه اش ابن حنظلیه، دائیهایش از تیره ی بارق و همسرش هنیده دختر عامر هلالیه از هلال نخع است. طبری و ابن عساکر هر دو می گویند که سیف چنین آورده است: قعقاع از اصحاب رسول خدا بوده است. ابن حجر شعری را که سیف از قول قعقاع نقل می کند چنین آورده است: من شاهد تابندگی و درخشندگی تهامه بودم، در آن روز که خالد بن ولید سوار بر اسب عیار رهبری سواران را بعهده گرفته بود. من در سپاه سیف الله، شمشیر محمد بودم که بشیوه ی آزادگان و همگام با آنکه پیش از همه به اسلام گرویده بودند قدم برمیداشتم. ابن حجر در شرح حال قعقاع در اصابه از طریق سیف از قول خود قعقاع چنین می نویسد: رسول خدا به من فرمود: برای جهاد چه تهیه کرده ای؟ گفتم: فرمانبرداری از خدا و رسولش و اسب اش را، آن حضرت فرمود: همه همین است. و نیز طبق روایت سیف از قول قعقاع می نویسد: من در وفات رسول خدا حاضر بودم، چون نماز ظهر را خواندیم، مردی به مسجد آمد و به بعضی از مردم گفتند: انصار اجتماع کرده اند تا سعد را به خلافت انتخاب کنند، و پیمان و وصیت رسول خدا را زیر پا بگذارند، مهاجرین با شنیدن این خبر نگران شدند... ابن حجر اضافه می کند که: ابن سکن گفته است که سیف بن عمر ضعیف است یعنی این گفتارش قابل اعتنا نیست. رازی دانشمند علم رجال نیز این داستان را به طور اختصار در شرح حال قعقاع آورده و اضافه می کند: سخنان سیف را دیگران قبول ندارند، بنابراین، این حدیث بخودی خود مردود است و ما فقط آن را برای شناسایی قعقاع آورده ایم. ابن عبدالبر در شرح حال قعقاع، از رازی پیروی کرده آورده و نظری که درباره ی سیف داده است همه را در کتاب خود نقل می کند. ابن اثیر و ذهبی نیز هر دو در شرح حال قعقاع، این سخن را از ابن عبدالبر گرفته و نقل کرده اند با این تفاوت که نظریه رازی در پایان آن نیاورده اند. علامه در کتاب خود نتیجه ی بررسی خود را چنین بیان می کند: (( نسب قعقاع را سیف از قول صعب بن عطیه، از پدرش بلال فرزند ابی بلال روایت می کند. نام صعب در نه مورد از روایت های سیف آمده که ترجمه و شرح حال هفت نفر از اصحاب پیامبر خدا را از آن روایت ها گرفته اند. کنیه اش را که ابن الحنظلیه گفته اند، و اینکه او از اصحاب رسول خداست همه از سیف گرفته شده و در سند روایت های آن نام محمد بن عبدالله فرزند سواد پسر نویره آمده است. نام عبدالله در سند ۲۱۶ روایت از روایت های سیف در کتاب تاریخ طبری آمده است. نام همسر قعقاع در روایت سیف از طریق محمد بن عبدالله که نامش رفت مهلب فرزند عقبه اسدی روایت شده، نام مهلب در سند ۷۶ روایت سیف در تاریخ طبری برده شده است. اما در مورد شعر قعقاع، گفته نشده است که سیف آن را از قول کدام راوی، روایت کرده تا درباره راوی آن به مطالعه بپردازیم. همچنین حدیثش از رسول خدا، در مورد آمادگی جنگی، و حضورش در مسجد در روز



سقیفه و مطالب آن، هر دوی آنها مستقیماً از قول قعقاع پهلوان افسانه‌ای نقل شده و سندی جز خود او ندارد. ما در تمام کتاب‌های حدیث، تاریخ، انساب و ادب به جستجو پرداختیم تا شاید نامی از راویان فوق‌بدست آوریم، ولی جستجوی ما به جایی نرسید. و چون نام آنها صعب، محمد، مهلب و خود قعقاع، جز در سخنان سیف جایی دیگر دیده نمی‌شود طبق قاعده و قانون حدیث‌شناسی حکم کردیم که آنها وجود خارجی نداشته‌اند و همگی از ساخته‌های ذهن سیف و آفریده‌ی او می‌باشند. نتیجه بررسی، تا اینجا، آنچه که درباره قعقاع آوردیم سخن سیف بود، و کسی دیگر چیزی درباره او نیاورده تا به مقارنه و مقایسه آن اقدام کنیم و سیف تنها سخن‌گوی این مطالب است و واسطه‌های سخن را - سند روایت‌ها - نیز مخلوق ذهن او یافتیم (علامه عسکری، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۳۲-۱۳۰).

### عاصم بن عمرو:

عاصم بن عمرو، مردی قهرمان است که دارای ویژگی‌های منحصر به فرد به طوریکه نمونه آن را فقط می‌توان در اساطیر گذشته و شخصیت‌های حماسه‌ساز هالیوودی در این قرن پیدا کرد. این مرد در درجه دوم از اهمیت نسبت به قعقاع بن عمرو می‌باشد که در حقیقت برادر اوست، در ارتباط با ویژگی‌های معرفی شده وی توسط سیف همچون قعقاع مجبور می‌شویم که از واژه پهلوان رویین تن، استفاده کنیم. عبدالبر و ابن حجر در کتاب‌هایشان به معرفی عاصم بن عمرو اشاره کرده‌اند و او را از سوارکاران به نام و شاعران نامی به حساب آورده‌اند. ((۴۳۷۴- عاصم: بن عمرو التمیمی، أحد الشعراء الفرسان، أخو القعقاع بن عمرو. و قال سیف فی «الفتوح»: و بعث عمر ألبه مع من ولی مع سهیل بن عدی، فدفع لواء سجستان إلى عاصم بن عمرو التمیمی، و كان عاصم من الصحابة، و أنشد له أشعارا كثيرة فی فتوح العراق. و قال أبو عمر: لا یصح له عند أهل الحديث صحبة و لا رواية، و كان له و لأخيه بالقادسیة مقامات محمودة و بلاء حسن.)) (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۳/ ۴۶۵) ((۱۳۱۲) عاصم بن عمرو التمیمی، أخو القعقاع بن عمرو، أدرك النبی صلی الله علیه و سلم فیما ذكره سیف بن عمرو، لا یصح لهما عند أهل الحديث صحبة و لا لقاء و لا رواية. و الله أعلم. و كان لهما بالقادسیة مشاهد کریمة، و مقامات محمودة، و بلاء حسن.)) (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲/ ۷۸۴) سیف در ارتباط با داستان‌هایی که عاصم بن عمرو در آن حضور دارد، راویانی را مطرح می‌کند که از همان‌ها در داستان‌های قعقاع استفاده کرده است و با تحقیقاتی که انجام داده شده و همین‌طور بر اساس نظر علامه عسکری در کتاب صد و پنجاه صحابه ساختگی، هیچ‌کدام از آنها از جمله: محمد بن نویره و مهلب و طلحه بن عبدالرحمن و... غیر از روایات سیف وجود خارجی ندارند.

### نتیجه‌گیری:

سیف بن عمر، سیف بن عمر الضبی الأسیدی التمیمی می‌باشد. سیف یکی از راویان اخباری حدیث است که بخاطر گزارش‌های خاصی که دارد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اطلاعات زیادی از زندگی وی در دسترس نیست، اما گفته شده است که وی در سال ۱۷۰ هجری و در زمان هارون الرشید از دنیا رفته است. از آثار به جای مانده از او می‌توان کتب الرده والفتوح و کتاب الجمل و مسیر عایشه و علی را نام برد. این درست است که بسیاری از مورخان احادیث سیف را ضعیف دانسته‌اند اما تأثیری که روایات او بر جای گذاشته است این نیاز اساسی را به وجود می‌آورد که از دید دیگر به آثار وی بنگریم و تحقیقات بیشتری انجام دهیم، علامه عسکری در آثاری که در این رابطه از خود به جای گذاشته است به این مبحث توجه کرده است. آنچه که از انتخاب موضوعات حوادث توسط سیف برای برجسته کردن و دست‌کاری و تغییر برمی‌آید، اهداف و

مقاصد پنهان و آشکار بسیاری است که برای پرداختن به آن لازم است روایات او از مهم‌ترین منبع یعنی کتاب طبری آورده شود. در سراسر روایات وی، مدح و ثنای سران بنی‌امیه موج می‌زند و او یک تن به توجیه و زیبا سازی اقدامات وحشیانه‌ی آنها می‌پردازد و همواره شخصیت‌ها و زمان حوادث را تغییر می‌دهد و به دنبال هدف برتر دانستن نژاد عرب، قوم و قبیله‌ی خود است و دقیقاً هر آنچه که مخالف اسلام و سیره پیامبر(ص) است را وارونه جلوه می‌دهد و البته کسانی که در طول تاریخ او را دست کم می‌گیرند باید به افق دید او که نگاهی جریان ساز است، توجه کنند. او از قبیله خود حمایت می‌کند و سعی می‌کند تمام پیروزی‌های جنگی را به قبیله مضر و برعکس، تمام شکست‌ها و اتهامات را از قبیله خود به گردن قبیله‌ای دیگر بیندازد. در صورتی که در از این قبیله چیزی در تاریخ نیست غیر از آیات سوره حجرات درباره نحوه برخورد و صدا زدن رسول خدا و احترام به او در ارتباط با رفتار بی‌ادبانه قبیله سیف. او شاعرانی را خلق می‌کند تا با شعری ذهن خواننده را در جهت قبول جعلیات آماده کند و همین‌طور روایانی خلق می‌کند تا شهادتی باشند در جهت حقیقی بودن داستان هایش. سیف در همه جای روایات خود قصد دارد اختلافات درونی اعراب را حل کند و یا آنها را کم رنگ نشان دهد و ما بررسی همه جانبه روایات او در کنار روایات صحیح می‌توانیم به اهدافش پی ببریم. علامه عسکری با تحلیل دوره زمانی سیف از مذهب او سخن می‌گوید و با آوردن دلایل منطقی او را زندیق معرفی می‌کند.



## منابع:

۱. ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد، ۱۴۱۲هـ ق/۱۹۹۲ م، الاستيعاب في معرفه الأصحاب، تحقيق علي محمد البجاوي، بيروت، دار الجيل
۲. ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي، ۱۴۱۵/۱۹۹۵، الإصابه في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علي محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه.
۳. ....، ۱۴۱۵، تقريب التهذيب، دراسه و تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، المكتب الاسلامي، دار عمار.
۴. ....، ۱۴۰۴، تهذيب التهذيب، ج ۱، بيروت، دارالفكر الطباعه و النشر والتوزيع.
۵. ....، ۱۳۹۰، لسان الميزان، ج ۳، بيروت، مؤسسه ي الاعلمي.
۶. ابن الأثير، عز الدين أبو الحسن علي بن محمد الجزري، بي تا، اسدالغابه، ج ۱، بيروت، دارالكتاب العربي.
۷. ....، بي تا، اسدالغابه، بيروت، دارالكتاب العربي.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علي بن الحسن بن هبه الله، ۱۴۱۵، تاريخ مدينه دمشق، دراسه و تحقيق علي شيرى، ج ۲۴، بيروت، دارالفكر.
۹. ابن حبان، كتاب المجروحين، بي تا، محمود ابراهيم زايد، ج ۱، ج ۹، مکه المکرکه، دارالباز النشر والتوزيع.
۱۰. ابن فرحان المالکي، حسن، ۱۴۱۸، نحو انقاذ التاريخ الاسلامي، بي جا، مؤسسه اليمامه الصحيفه.
۱۱. ابن حنبل، احمد، بي تا، المسند، ج ۳، بيروت، دار صادر.
۱۲. ابن جوزي، الموضوعات ضبط، ۱۳۸۶، تقديم و تحقيق عبدالرحمان محمد عثمان، ج ۱، ج ۱، المدينه المنوره، المكتبه السلفيه.
۱۳. ابن خلدون، ابو عبدالله محمد بن محمد، ۱۴۰۸، العبر، تحقيق خليل شحاده، ج ۱، ج ۱، بيروت، دار الفكر.
۱۴. ابن نديم، بغدادى، محمد بن اسحاق، ۱۳۴۳، الفهرست، به كوشش رضا تجدد، تهران، كتابخانه ابن سينا.
۱۵. بلاذرى، أحمد بن يحيى فتوح البلدان، ۱۳۳۷، ترجمه محمد توکل، چ اول تهران، نشر نقره.
۱۶. ....، ۱۹۵۶، فتوح البلدان، تحقيق دكتور صلاح الدين المنجد، ج ۱، بيروت، مكتبه النهضه المصريه.
۱۷. بخارى، محمد بن اسماعيل، بي تا، التاريخ الكبير، طبع تحت مراقبه الدكتور محمد عبدالمعيد خان، ج ۳، ديار بكر، المكتبه الاسلاميه.
۱۸. ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى، ۱۴۰۳، السنن (الجامع الصحيح)، حققه و صححه عبدالوهاب عبداللطيف، ج ۵، بيروت، دارالفكر.
۱۹. حموى الرومى البغدادي، ياقوت بن عبدالله، ۱۴۱۴، معجم الادباء (ارشاد الاريب في معرفه الاديب)، ج ۶، ج ۱، بيروت، دارالعرب الاسلامي.
۲۰. خطيب البغدادي، ابوبكر احمد بن علي، ۱۹۹۷، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، ج ۱۰، بيروت، دارالكتب العلميه.
۲۱. ....، ۱۴۰۵، الكنايه في علم الروايه، تحقيق احمد عمر هاشم، بيروت، دارالكتاب العربي.
۲۲. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان، بي تا، تذكره الحفاظ، صحح عن النسخه المحفوظه في مكتبه الحرم المكي تحت اعانه، ج ۱، ج ۲، بيروت، دار احياء التراث العربي.
۲۳. ....، ۱۹۹۳، سير اعلام النبياء، اشرف على تحقيق هذا الكتاب و خرج احاديثه شعيب الارنؤوط، ج ۹، ج ۱۳، بيروت، مؤسسه الرساله.
۲۴. دينورى، ابو حنيفه احمد بن داود، ۱۳۷۱ش، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، ج ۴، تهران، نشر نى.
۲۵. رازى، عبدالرحمان بن ابى حاتم، ۱۳۷۳، الجرح والتعديل، ج ۱، ج ۲، حيدرآباد دکن، مطبعه مجلس دائره المعارف العثمانيه.

۲۶. روزنتال، فرانسیس، ۱۳۸۶، تاریخ تاریخ نگاران در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، ج ۱، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۷. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، ۱۹۷۷، الانساب، تحقیق و تعلیق عبدالله عمرالبارودی، ج ۴، بیروت، بی نا.
۲۸. سجستانی، ابوداود سلیمان بن اشعث، ۱۴۱۸، سوالات الاجری لابی داود، ج ۱، ۱، مکمه المکرمة، مکتبه دارالاستقامه.
۲۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، ۱۴۱۷، الفهرست، تحقیق جواد القیومی، ج ۱، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵ش، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، ج ۱، ۲، ج ۳، چاپ پنجم، تهران، اساطیر.
۳۱. ....، ۱۴۰۳، تاریخ الامم والملوک، تحقیق لجنه من العلماء، بیروت، موسسه الاعلمی.
۳۲. عزیزی، حسین، ۱۳۹۱، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. عسکری، سید مرتضی، ۱۳۷۸، صدو پنجاه صحابه ساختگی، ترجمه عطا محمد سردارنیا، تهران، دانشکده اصول دین.
۳۴. ....، ۱۴۱۰، معالم المدرستین، بیروت، موسسه النعمان للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۵. ....، ۱۴۱۳، عبدالله بن سباء واساطیر اخری، ج ۱، ۲، ج ۶، بی جا، نشر توحید.
۳۶. ....، ۱۳۵۵، صد و پنجاه صحابی ساختگی، ترجمه سردارنیا، ج ۱، ۲، قم، کتابخانه بزرگ اسلامی.
۳۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، الجمل، ج ۲، قم، مکتبه الداوری.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، ۱۳۷۱ش، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چ ششم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. فسوی، یعقوب بن سفیان، ۱۴۰۱، المعرفه التاريخ، به تحقیق عمری اکرم ضیاء، ج ۳، بیروت، موسسه الرساله.
۴۰. نصیری، بهاره، ۱۳۹۹، نگاهی به مکاتب تاریخ نگاری اسلامی، کرج، مهرسمان.

## Investigating the impact of Saif bin Omar Tamimi's position in the conquest narratives

<sup>1</sup>**Nazaninfateme Jelokhani**

Master's degree in Shiite history from Khwarazmi  
University, Tehran

### Abstract - ١-١

Saif bin Umar is a news narrator of the 2nd century of Hijri, and a large amount of Fatuh forgeries originate from his narrations. . Not much information about his life is available, but it is said that he died in 170 AH during the time of Harun al-Rashid. Many historians have considered Saif's hadiths to be weak, but the impact that his hadiths have left creates a fundamental need to look at his works from a different perspective and do more research. Tabari also included a significant amount of these forgeries in his work so that in later periods his book was used as a reference by other Islamic historians. This research is descriptive and analytical in nature and has been compiled by library method. In this article, we intend to answer this basic question: 1- Who is Saif bin Umar and what is the position of his narrations? 2- Why Saif's narrations have received the attention of Sunni society and historians?

**1-2- Keywords:** Saif Ibn Omar Tamimi, Fatuh Narratives, Tabari History, Fatuh Narration.

---

<sup>1</sup> Master's degree in Shiite history from Khwarazmi University, Tehran.